

بررسی و مقایسه تأثیر تکرار پایه و قبولی با استفاده از مواد مربوط به تک ماده (ماده ۱۸ آئین نامه امتحانات دوره عمومی) در روند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در دوره آموزش عمومی بین سالهای تحصیلی ۱۳۷۸/۷۹ تا ۱۳۸۳/۸۴

دکتر محمد حسنی*

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر تکرار پایه و تک ماده کردن در روند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در سالهای بعد انجام گرفته است. روش پژوهش علی مقایسه‌ای است که در آن نمرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در سه گروه (قبول شده، مردود شده، قبول شده با استفاده از تک ماده) از سال تحصیلی ۷۸/۷۹ در پایه‌های سوم و چهارم ابتدایی تا سال تحصیلی ۸۳/۸۴ پایه سوم راهنمایی مورد مقایسه قرار گرفته است. جامعه نمونه اولیه این پژوهش با حجم ۴۵۴۰۵ نفر از استانهای تهران، خراسان (شمالی، جنوبی و رضوی)، مازندران، آذربایجان شرقی و غربی، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد بوده است. داده‌های به دست آمده از پایگاه اطلاعات دانش آموزی با استفاده از آزمون آماری T تجزیه و تحلیل شده است. بر اساس نتیجه به دست آمده پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تک ماده‌ای در همه دروس از گروه مردودین به طور معنادار بهتر بوده است. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مردود شده در سال تکرار پایه بهبود داشته اما در سالهای بعد رو به کاهش نهاده است.

کلید واژه‌ها: پیشرفت تحصیلی؛ تکرار پایه؛ قبولی با استفاده از تک ماده؛ دوره راهنمایی

دوره ابتدایی.

مقدمه

گسترش آموزش و پرورش در میان اقشار گوناگون جامعه و توسعه فرصتهای برخوردارى از آموزش، در صدر اهداف آموزشی کشورهای جهان قرار دارد. کشورهای جهان تلاش می‌کنند که به شیوه‌های متفاوت موانع و چالشهای پیش روی این هدف را برطرف نمایند. یکی از این چالشها پدیده "تکرار پایه" ۱ است. یافته‌های یونسکو نشان می‌دهند که در سال ۱۹۹۰ در ۸۰ کشور جهان در حدود ۶/۳۵ میلیون نفر فقط در دوره ابتدایی مردود شده‌اند. میزان مردودی در کشورهای جهان سوم بیشتر از کشورهای دیگر است. در کشور ما نیز ارقام مردودی در پایه‌های متفاوت قابل توجه است (ایزمن، ترجمه حمیدی، ۱۳۷۸). البته میزان تکرار پایه در استانها و مناطق گوناگون متفاوت است. بررسیهای آماری نشان می‌دهند که در طول چهار سال دوره ابتدایی ۱۱/۰۸ درصد دانش‌آموزان حداقل یک بار تکرار پایه داشته‌اند (کیامنش، ۱۳۸۲).

تکرار پایه به سبب ارتباط مثبتی که با ترک تحصیل دارد (ایزمن، ترجمه حمیدی، ۱۳۷۸) به منزله مانعی در خور توجه در راه تحقق بخشیدن به اصل برابری فرصتهای آموزشی تلقی می‌شود. لذا کاهش نرخ این پدیده به عنوان شاخص بهبود در امر آموزش و پرورش تلقی می‌شود (دفتر پژوهش نظامهای آموزشی، ۱۳۶۵).

گذشته از این مسأله تکرار پایه نشان از کاستی در کارایی درونی نظام آموزشی^۲ است. به سخن دیگر تکرار پایه دانش‌آموزان، نشان دهنده عدم توفیق نظام آموزشی در رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی است. بر این اساس تکرار پایه، از جهات گوناگون قابل بررسی و امعان نظر است.

مسئله

شیوه تکرار پایه با وجود سابقه دیرینه‌ای که دارد در سالهای آغازین قرن بیستم مورد مطالعه قرار گرفت. ثوراندا یک در سال ۱۹۰۸ پدیده تکرار پایه و ترک تحصیل را مورد مطالعه قرار داد و میان آن دو رابطه‌ای مشاهده کرد (همان).^۳ بعد از آن تکرار پایه، پدیده‌ای مورد علاقه برخی

1. grade retention
2. internal efficiency

۳. در پایگاه اطلاعاتی www.ncrel.org از تعدادی پژوهش نام برده شده است که این رابطه را مورد تأیید قرار داده است.

از پژوهشگران حوزه علوم تربیتی شد. تحقیقات بسیاری در این باره صورت گرفته که در بیشتر موارد بی تأثیر بودن تکرار پایه مشاهده شده است^۱ (همان) (لناردوزی و مک لولین^۲، ۱۹۹۹) (جیمرسون^۳، ۲۰۰۱) (والترز^۴ و همکاران، ۱۹۹۵) (علیشاهی، ۱۳۸۰). جنکینز^۵ و همکارانش (۱۹۹۵) از پژوهش خود چنین استنباط کردند که تکرار پایه بی تأثیر است. ستن سیچ^۶ (۱۹۹۴) در پژوهشی که با هدف تأثیر دراز مدت تکرار پایه تا هشتم و هفتم انجام گرفته، نشان داده است که دانش آموزان مردود شده از نظر پیشرفت تحصیلی در مقایسه با همتایان خود وضعیت بهتری ندارند. بالیتویچ^۷ (۱۹۹۷) در پژوهش خود نتیجه گرفته که نمرات ریاضی و زبان و خواندن دانش آموزان مردود شده کمتر از دانش آموزان ارتقا یافته است. به طور کلی، عملکرد تحصیلی دانش آموزان مردود شده کمتر از گروه مقایسه است. وست بوری^۸ (۱۹۹۴)، پیشرفت و توانایی ۱۳۵ دانش آموز دوره ابتدایی مردود شده در پایه ششم کانادا را با ۱۰۳ دانش آموز همتا شده ارتقا یافته مقایسه کرد. ویژگی مورد مقایسه درک خواندن، توانایی شناختی و آزمون پیشرفت بود. نمره‌ها نشان دادند که تکرار پایه در بهبود پیشرفت و توانایی دانش آموزان بی تأثیر است. اسنایدر^۹ (۱۹۹۲) در پژوهش خود تأثیر تکرار پایه را بر عملکرد تحصیلی بعدی دانش آموزان بررسی کرده و نشان داده که علی‌رغم این که نمره دانش آموزان در سال دوم افزایش داشته اما این افزایش در سال بعد از میان رفته است. بخشی از تحقیقات نیز بر آثار مخرب و منفی آن تأکید کرده‌اند. (وایت^{۱۰} و همکاران ۱۹۷۳).

به طور کلی، دانش آموزان مردود شده حضور و غیابی ضعیف، سازگاری اجتماعی کم، نگرشی منفی نسبت به مدرسه و مشکلات رفتاری بیشتری در مقایسه با گروه کنترل داشته‌اند.

۱. به جز این مطالعات، مطالعات دیگری در دست است که در طول قرن گذشته انجام شده و عمدتاً نشان می‌دهند که مردودی تأثیر چندانی به همراه ندارد. در پایگاه اطلاعاتی www.idra.org نام برخی از این پژوهشها آمده است.

2. Lenarduzzi, G. P. & McLaughlin, T. F.
3. Jimerson, S. R.
4. Walters, D. M.
5. Jenkins, M.
6. Setencich, J.
7. Balitewicz, T. F.
8. Westbury, M.
9. Snyder, J. H.
10. White

(شپارد و اسمیت^۱، ۱۹۹۴). آنها رفتارهای منفی بیشتری دارند (جیمرسون و کافمن، ۲۰۰۳). یکی از آثار منفی تکرار پایه بر شخصیت دانش‌آموزان کاهش عزت‌نفس^۲ و خودپنداره^۳ مثبت آنها است. وایت و همکارانش در پژوهشی نشان داده‌اند که میان شکست تحصیلی و عدم ارتقا (تکرار پایه) و خودپنداره دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. شکست تحصیلی با خودپنداره منفی همراه است و در دانش‌آموزانی که بیش از یک بار مردود شده‌اند خودپنداره منفی‌تر است (وایت و همکاران ۱۹۷۳) بر اساس پژوهشی دیگر مشابه همین نتیجه در مورد عزت‌نفس دانش‌آموزان مردودی، به دست آمده است (ستن سیچ، ۱۹۹۴).

علی‌رغم این سابقه پژوهشی که در جهان درباره تکرار پایه وجود دارد، تکرار پایه به منزله شیوه‌ای رایج در بسیاری از کشورهای جهان مقبولیت دارد و می‌توان گفت که این شیوه به نوعی ایدئولوپی تبدیل شده است (نکوگام سونو^۴، ۲۰۰۱) و آن را ابزاری موثر برای پیشگیری از افت تحصیلی می‌دانند (پولیوت^۵، ۱۹۹۹)

مسئله تکرار پایه به دلیل ارتباطش با اتلاف^۶ از بعد اقتصاد آموزش و پرورش مورد امعان نظر بوده است. در واقع نظامهای آموزش و پرورش از ناحیه تکرار پایه، خسارتهای سنگین را تحمل می‌نمایند (امین فر، ۱۳۶۵) (ایزمن، ترجمه حمیدی، ۱۳۷۸). کشور ما نیز رسماً در حدود ۸۳ سال است که این شیوه را به کار گرفته است و تنها در دهه سی هجری شمسی به مدت سه سال (۱۳۳۷/۳۸ - ۱۳۳۴/۳۵) در سه پایه نخست دوره ابتدایی مردودی حذف شد و مجدداً وضعیت به حالت سابق برگشت (حسینی، ۱۳۸۳). در طول سالیان متمادی نرخ مردودی و خسارتهای ناشی از آن بسیار قابل ملاحظه بوده است، بررسیها، آمار و ارقام نگران‌کننده‌ای در این باره ارائه داده‌اند (نفیسی، ۱۳۷۱) (بیابانگرد، ۱۳۸۰).

درباره کاهش تکرار پایه در نظام آموزشی در سطح بین‌المللی و در سطح ملی مطالعاتی صورت گرفته است (ایزمن، ترجمه حمیدی، ۱۳۷۸) (دفتر پژوهش نظامهای جهانی، ۱۳۶۵) (گلنار، ۱۳۷۵) (ماخ، ترجمه امین فر، ۱۳۶۸) (محسن‌پور، ۱۳۶۴). در این پژوهشها عمدتاً

1. Shepard, L. S. & Smith, M.
2. self esteem
3. self concept
4. N, Echougam, Sonou, C. H
5. Pouliot, M.
6. wastage

راهبردها و راهکارهایی برای کاهش تکرار پایه ارایه شده که مبتنی بر این دو اصل بوده است اول این که تکرار پایه، دادن فرصتی مجدد به کودکی است که ضعف عملکرد تحصیلی دارد تا خود را به حد مطلوبی برساند و دیگر اینکه این فرصت مجدد در بهبود عملکرد دانش آموز ضعیف موثر است. یعنی همه این راهکارها بر این دو اصل مرتبط با هم استوار بوده است. حتی راهکار مواد مربوط به تک ماده (ماده ۱۸ آئین نامه امتحانات دوره عمومی) که نیم نگاهی مشکوک به ملاکهای تصمیم گیری درباره تکرار پایه دارد، در اساس مردودی را می پذیرد، اما تلاش می نماید با راهکارهای قانونی به ملاکهای آن انعطافی بیشتر بدهد. گرچه گروهی بر این عقیده اند که این راهکار منجر به افت تحصیلی بیشتر می شود (جواهری، ۱۳۷۱).

بر این اساس به صورت رسمی در کنار شیوه تکرار پایه، با هدف کاهش میزان آن، مواد مربوط به تک ماده، به مثابه راهکاری درمانی به کار گرفته می شود که در ذات خود برخاسته از نگاه تردیدآمیز نسبت به مفروضه های مردودی است. لذا این سوال به ذهن می رسد که آیا در واقع تکرار پایه یا دادن فرصت مجدد برای یادگیری، تأثیری در پیشرفت تحصیلی دارد؟ آیا شیوه درمانی (مواد مربوط به تک ماده) که اساساً راهی برای کاهش مردودی و تردیدی در مفروضه های مردودی است، تأثیری مثبت در پیشرفت تحصیلی سالهای بعد دانش آموز دارد؟ یا اینکه مواد مربوط به تک ماده موجب بی سوادی دانش آموزان می شود؟

فرضیه ها

- تفاضل نمرات درس ریاضی، علوم، املاء و انشاء (پایه چهارم، ۷۹/۸۰ - پایه سوم راهنمایی ۸۳/۸۴) میان دانش آموزانی که در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ مردود شده اند و نمره ریاضی، علوم، املا و انشاء پایه چهارم آنها هم، کمتر از ۲۰ (با مقیاس ۴۰) بوده است و استفاده کنندگان از تک ماده دروس مذکور در پایه سوم در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ تفاوتی معنادار دارد.

- تفاضل نمرات درس ریاضی، علوم، املاء و انشاء (پایه چهارم ۷۹/۸۰ - پایه سوم راهنمایی ۸۳/۸۴) میان دانش آموزانی که در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ مردود شده اند و نمره پایه چهارم آنها در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ بیشتر از بیست (قبول با مقیاس ۴۰) بوده است و با گروه تک ماده ایها که در سال ۷۸/۷۹ از هر یک از دروس مورد نظر تک ماده نکرده اند، تفاوتی معنادار دارد.

• تفاضل معدل کل (پایه چهارم، ۷۹/۸۰ - پایه سوم راهنمایی ۸۳/۸۴) میان دانش‌آموزانی که در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ در پایه چهارم مردود شده‌اند و دانش‌آموزان استفاده‌کننده از تک ماده در پایه سوم ابتدایی سال تحصیلی ۷۸/۷۹ تفاوتی معنادار دارد.

متغیرها

تفاضل نمرات: این متغیر بیانگر روند عملکرد درسی (پیشرفت تحصیلی) دانش‌آموزان در طول پنج سال مطالعه است که حاصل تفریق نمره درس یا معدل پایه چهارم ابتدایی سال تحصیلی ۷۹/۸۰ از پایه سوم راهنمایی سال تحصیلی ۸۳/۸۴ است. نمره درس در پایه چهارم ابتدایی - نمره درس در پایه سوم راهنمایی = تفاضل نمرات (روند عملکرد درسی)

تکرار پایه: به مداخله‌ای^۱ گفته می‌شود که بر اساس آن دانش‌آموزانی که نمرات پیشرفت تحصیلی آنها به حد نصاب معین نرسیده باشد، ناگزیر به تکرار آن پایه می‌شوند. تک ماده: استفاده از ماده ۱۸ آئین نامه امتحانات دوره آموزش عمومی و تبصره‌های آن

طرح پژوهشی

این پژوهش در اساس یک پژوهش توصیفی است. در این نوع پژوهش گاهی می‌توان فرضیه‌هایی را صورت‌بندی و با بهره‌گیری از اطلاعات به دست آمده آزمون کرد. در طرح پیشنهادی حاضر نیز فرضیه‌هایی صورت‌بندی شده است و روابط متغیرهای تک ماده کردن، تکرار پایه کردن و پیشرفت تحصیلی بررسی می‌شود. در واقع به صورت پس رویدادی^۲ رابطه میان متغیرهای مطالعه می‌شود. بنابراین طرح این پژوهش علی-مقایسه‌ای^۳ است که دارای یک گروه مقایسه و دو گروه مشاهده است. گروه مشاهده ۱ دانش‌آموزانی هستند که در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ در پایه چهارم تحصیلی مشغول به تحصیل بوده و در همان سال مردود شده و در سال بعد یعنی ۷۹/۸۰ کلاس چهارم را تکرار کرده‌اند. گروه مشاهده ۲ دانش‌آموزانی هستند که در پنج سال تحصیلی قبل، یعنی سال تحصیلی ۷۸/۷۹ در پایه سوم مشغول به تحصیل بوده و با استفاده از مواد مربوط به تک ماده (ماده ۱۸ آئین نامه امتحانات) به پایه چهارم ارتقا یافته‌اند.

-
1. intervention
 2. Ex Post Facto
 3. Causal- Comparative Research

گروه مقایسه همکلاسی گروه اول در سال ۷۸/۷۹ بوده که در آن سال قبول شده‌اند و در سال بعد یعنی ۷۹/۸۰ در کلاس پنجم مشغول به تحصیل شده‌اند. این گروه در تحلیل آماری برای دو گروه مشاهده، نقش گروه مقایسه را دارند. وضعیت تحصیلی این سه گروه بر اساس اطلاعات موجود در پایگاه اطلاعات دانش‌آموزی، در طول پنج سال تحصیلی بعد بررسی می‌شود.

در طرح‌های پژوهشی مربوط به تکرار پایه عمدتاً با دو گروه مقایسه و مطالعه به دو روش همتا می‌شوند. برخی از آنها دانش‌آموزان را بر اساس سن همتا می‌کنند و برخی دیگر بر اساس پایه تحصیلی این کار را انجام می‌دهند. در حالتی که سن، ملاک همتا شدن است، گروهها از نظر "پایه" اختلاف دارند، یعنی گروه قبولیها یک پایه جلوترند و عملکرد سال قبل قبولیها با گروه مردودیها مقایسه می‌شود. روشن است که گروهی از متغیرهای مداخله‌گر در این حالت وجود خواهند داشت. اما اگر ملاک همتا شدن "پایه" باشد، گروه مردودیها یک سال از گروه همتای خود بزرگتر خواهند بود؛ لذا در این حالت هم، تفاوت سن متغیر مداخله‌گری است. از آنجا که در این دوره زندگی، هوش با سن همبستگی بالایی دارد، هوش متغیر مداخله‌گر خواهد بود. مگر اینکه هوش در این حالت کنترل شود. اما در این پژوهش سعی شده است که از هر دو شکل استفاده شود. وجود سه گروه در این پژوهش بر این امر دلالت دارد. گروه اول و دوم همپایه هستند ولی همسن نیستند. اینگونه فرض شده است که قبل از ورود به پایه سوم یا چهارم تکرار پایه یا تأخیر در ورود به مدرسه نداشته‌اند. به هر حال عملکرد گروه اول با دوم مقایسه خواهد شد. گروه اول و دوم و سوم، همسن هستند اما همپایه نیستند؛ یعنی به دلیل تکرار پایه، گروه اول در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ پایه آنها متفاوت می‌شود.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزانی هستند که در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ در پایه سوم و چهارم ابتدایی به تحصیل اشتغال دارند. در این سال ۱/۶۴۲/۹۴۴ نفر در پایه سوم دبستان و ۱/۷۱۶/۱۷۳ نفر در پایه چهارم دبستان مشغول به تحصیل بوده‌اند. انتخاب گروههای نمونه در چند مرحله صورت گرفته است. در مرحله اول از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. استانهای کشور ابتدا به پنج منطقه بزرگ تقسیم شد و از هر منطقه دو استان

به صورت تصادفی انتخاب گردید. بعد از گردآوری اطلاعات (اطلاعات دانش‌آموزان از پایگاه اطلاعات دانش‌آموزی به صورت الکترونیکی)^۱ از استانها و بررسی اطلاعات رسیده، اطلاعات هفت استان مناسب تشخیص داده شد که عبارتند از: شهرستانهای تهران، خراسان (جنوبی، شمالی و رضوی)، مازندران، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، کرمان و کهگیلویه و بویراحمد.

پس از این مرحله، بعد از ویرایش اطلاعات استانهای یاد شده، در مجموع سه جامعه نمونه به این شکل انتخاب شدند. ابتدا همه دانش‌آموزان مردود شده پایه چهارم به عنوان نمونه اول گزینش شدند. همچنین همه دانش‌آموزانی که در سال ۷۸/۷۹ از پایه سوم با استفاده از تک ماده به پایه چهارم ارتقا یافته بودند برای گروه دوم انتخاب شدند. آنگاه بر اساس شماره سریال دانش‌آموزان در پایگاه اطلاعات دانش‌آموزی نفر بعد هر عضو گروه مردودیها با شرط قبول شدن برای گروه سوم انتخاب شدند. دلیل این کار هم‌تا کردن گروه مقایسه با گروه مردودیهاست. زیرا به احتمال زیاد نمرات بعد بر اساس شماره سریال در محیط اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی تقریباً یکسانی به سر می‌برند. مجموع جامعه نمونه ۴۵۴۰۵ نفر است. گروه مردودیها ۲۱۵۷۴ و گروه تک ماده ۶۱۸۲ و گروه مقایسه در حدود ۱۷۶۴۹ نفر است. از این میزان در گروه مردودیها ۲۵٪، در گروه تک ماده‌ایها ۴۶٪ و در گروه قبولیها ۵۴٪ سال سوم راهنمایی را در طول شش سال مطالعه به پایان رسانده‌اند.

در مرحله بعد گروه نمونه با استفاده از نرم‌افزار آماری انتخاب شد. به این صورت که نرم‌افزار آماری متناسب با هر فرضیه از میان این جمعیت نمونه بر حسب نوع اطلاعات درخواستی برای آزمون فرضیه نمونه محدودتر انتخاب کرده است. نکته مهم درباره جمعیت نمونه نهایی اینکه اطلاعات همه این افراد برای آزمونهای آماری کافی نبوده است؛ لذا هنگام

۱. الگوی گزارش‌گیری از پایگاه اطلاعات دانش‌آموزی به شرح جدول زیر است.

۸۳/۸۴	۸۲/۸۳	۸۱/۸۲	۸۰/۸۱	۷۹/۸۰	۷۸/۷۹	پایه/ سال
					Eamoz1 Eamoz11	سوم
Edu 1	Edu 1	Eamoz11	Eamoz11	Eamoz1 Eamoz1 1	Eamoz1 Eamoz11	چهارم
Edu 1	Edu 1	Eamoz11	Eamoz11	Eamoz1 Eamoz1 1		پنجم
Edu 2	Edu 2	Eamoz 22 P	Eamoz 22 P			اول راهنمایی
Edu 2	Edu 2	Eamoz 22 P				دوم راهنمایی
Edu 2	Edu 2					سوم راهنمایی

آزمون آماری، نرم افزار SPSS از میان نمونه بزرگتر نمونه کوچکتر را انتخاب می‌کند که تعداد آن در هر آزمون در جداول مربوط آورده شده است. در واقع نمونه نهایی کسانی بودند که اطلاعات تمام شش سال آنها در پایگاه اطلاعاتی وجود داشت و تعداد آنها را رایانه و نرم افزار مربوطه تعیین می‌کرد.

یافته‌های پژوهش

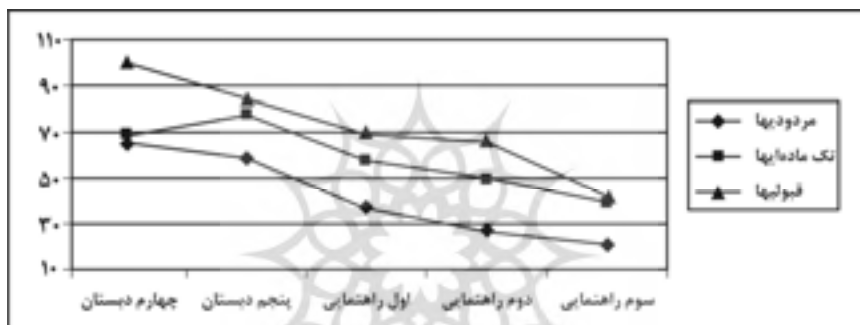
توصیف و مقایسه عملکرد تحصیلی سه گروه در سالهای مورد مطالعه

در این بخش عملکرد تحصیلی، دانش‌آموزان بر اساس مؤلفه‌های تعداد سالهای اطلاعات موجود نمرات گروهها در پایگاه اطلاعات دانش‌آموزی، روند وضعیت تحصیلی در طول سه سال، روند ریزش، شانس رسیدن به پایه سوم راهنمایی و معدل کل در شش سال تحصیلی بررسی می‌شوند. اعضای گروههای نمونه، از دانش‌آموزان سال تحصیلی ۷۸/۷۹ برگزیده شده‌اند. اما اینکه آیا از این افراد در سالهای بعد نیز اطلاعاتی وارد سیستم شده یا نه، سؤال است که پاسخ آن قابل تأمل است. نقطه تراکم تعداد سالهای اطلاعات موجود برای گروه قبولیها ۵ سال است که در حدود ۵۵ درصد از افراد گروه را شامل می‌شود، یعنی احتمالاً این عده از این گروه به صورت طبیعی تحصیل کرده و به پایه‌های بالاتر رسیده‌اند و عده زیادی نیز دارای سالهای اطلاعات کمتر هستند، یعنی احتمالاً از نظام آموزشی خارج شده‌اند. البته باید اشتباهات موجود در سیستم پایگاه اطلاعات دانش‌آموزی و مهاجرت و مرگ و میر مانند اینها را لحاظ نمود. در گروه مردودیها نقطه اوج در ۶ سال است که به رقم ۲۵ درصد می‌رسد. همچنین در گروه تک ماده‌ایها این نقطه اوج نیز در ۶ سال است که به رقم ۴۵/۷ درصد بالغ می‌شود. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که عملکرد گروه تک ماده‌ایها به گروه قبولیها نزدیکتر است.

جدول شماره ۱. درصد قبولی در سه گروه در پنج پایه مورد مطالعه

گروه تحقیق						پایه
قبولیها		تک ماده‌ایها		مردودیها		
قبول	مردود	قبول	مردود	قبول	مردود	
۱۰۰/۰	۰/۰	۶۹/۹	۱۶/۱	۶۵/۸	۴/۶	چهارم
۸۵/۲	۱/۷	۷۸/۰	۵/۰	۵۹/۳	۴/۷	پنجم
۶۹/۰	۶/۳	۵۸/۳	۱۵/۶	۳۶/۷	۱۴/۹	اول راهنمایی
۶۶/۴	۵/۵	۴۹/۹	۱۵/۵	۲۷/۷	۱۰/۰	دوم راهنمایی
۶۱/۶	۶/۳	۴۰/۱	۱۰/۶	۲۰/۶	۷/۹	سوم راهنمایی

عملکرد گروهها از منظر درصد قبولی (مجموع خرداد و شهریور) هم جالب به نظر می‌رسد. جدول شماره یک عملکرد سه گروه را نشان می‌دهد. مردودیها در پایه چهارم ابتدایی یعنی سال تحصیلی ۷۹/۸۰ پایه چهارم را تکرار می‌کردند در حدود ۶۶ درصد قبولی داشته‌اند. تک ماده‌ایها ۷۰ درصد و قبولیها ۱۰۰ درصد قبول شده‌اند (در واقع در سال قبل در پایه چهارم). اما در هر سه گروه روند نزولی در میزان درصد قبولی دیده می‌شود. مردودیها در پایه سوم راهنمایی ۲۰/۶ درصد قبولی داشته‌اند و تک ماده‌ایها ۴۰/۱ درصد و قبولیها ۶۱/۶ درصد. مشخص می‌شود که در دراز مدت عملکرد گروه تک ماده در میانه دو گروه مردودیها و عملکرد گروه قبولیها قرار می‌گیرد.



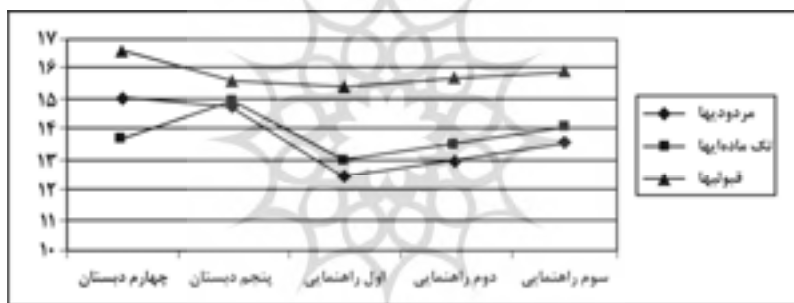
نمودار شماره ۱. روند کاهش درصد قبولی در سه گروه

همچنین بر اساس اطلاعات به دست آمده که در نمودار شماره ۱ به نمایش درآمده است، روند ریزشی شدید در گروه مردودیها دیده می‌شود که به طرز قابل توجهی از دو گروه متفاوت است. این نمودار نشان می‌دهد که دانش‌آموزان گروه مردودی و گروه تک ماده در پایه چهارم وضعیتی نسبتاً مشابه داشته‌اند، اما به مرور ایام و در سالهای بعد عملکردشان با یکدیگر متفاوت شده است. در سال بعد یعنی پنجم گروه تک ماده پیشرفت داشته، اما گروه مردودی افت داشته است و در دوره راهنمایی علی‌رغم روند کاهشی مشابه اما تفاوت آشکاری در عملکرد دارند. از این شواهد می‌توان اینگونه استنباط کرد که مداخله تک ماده آسیبی به عملکرد دانش‌آموزان نزده است. از منظر شانس رسیدن به پایه سوم راهنمایی، عملکرد این سه گروه نیز قابل مقایسه است. بر اساس داده‌های این پژوهش گروه قبولیها طی پنج سال ۵۳/۹ درصد شانس رسیدن به پایه سوم را داشته‌اند و این رقم در گروه تک ماده‌ایها ۴۵/۷ درصد است (طی ۶ سال) و در

گروه مردودیها این رقم ۲۵ درصد است. این روایت دیگر از ریزش شدید این گروه بعد از رخداد تکرار پایه است. روشن است که عملکرد گروه تک ماده‌ایها با توجه به اینکه یک سال به لحاظ سنی عقبتر از گروه مردودیها هستند اما در پایه تحصیلی یکسانی تحصیل می‌کنند، عملکرد مقبولی است و نزدیک به عملکرد گروه قبولیها است.

جدول شماره ۲. معدل کل گروهها طی سالهای مطالعه

پایه گروه	سال ورد به مطالعه سال ۷۸	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه اول راهنمایی	پایه دوم راهنمایی	پایه سوم راهنمایی
مردودیها	۱۰/۰۹	۱۵/۶۱	۱۵/۲۱	۱۳/۴۴	۱۳/۱۸	۱۳/۱۲
تک ماده‌ایها	۱۴/۵	۱۴/۲۱	۱۵/۲۳	۱۳/۷۰	۱۳/۳۲	۱۳/۴۹
قبولیها	۱۶/۵۳		۱۵/۵۸	۱۵/۳۱	۱۵/۶۰	۱۵/۸۰



نمودار شماره ۲. میانگین معدل کل دانش‌آموزان در پنج سال

اطلاعات موجود در جدول و نمودار شماره دو نشان می‌دهد که معدل کل پایه چهارم گروه مردودیها از هر دو گروه دیگر کمتر است، اما در پایه سوم راهنمایی در مقایسه با معدل سال مردودی (۱۰/۰۹) افزایش داشته است و در مقایسه با معدل سال تکرار پایه چهارم ابتدایی (۱۵/۶۱) نزدیک به دو و نیم نمره کاهش داشته است. این کاهش در گروه قبولی (۰/۷۳) و در گروه تک ماده‌ایها (۰/۷۰) بوده است. بالا بودن معدل دانش‌آموزان گروه مردودی در پایه چهارم ابتدایی به سبب تکرار پایه در این سال است. در گروه تک ماده‌ایها معدل بعد از پایه سوم، یعنی پایه چهارم که به صورت تک ماده به آن ارتقا پیدا کرده‌اند، کاهش نسبی نزدیک به یک نمره دارد. اما در سال بعد یعنی پایه پنجم ابتدایی بهبود نسبی در آن دیده می‌شود. به گونه‌ای که

معدل پیشرفت تحصیلی آنان به گروه مردودی رسیده است و حتی اندکی هم از آنها بالاتر می‌رود. در حالی که معدل پیشرفت گروه مردودها در سال پنجم به نسبت سال چهارم که سال تکرار پایه بوده کاهش داشته است. نکته جالب اینجاست که حتی گروه قبولیها در پایه پنجم کاهش معدل دارند. بنابراین، عملکرد گروه تک ماده‌ایها بعد از تک ماده کردن حتی از عملکرد گروه قبولیها بهتر است. باید توجه داشت که تک ماده‌ایها با استفاده از تخفیف ماده ۱۸ آئین‌نامه امتحانات از خط قرمز مردودی عبور کرده‌اند؛ در غیر این صورت در گروه مردودها قرار می‌گرفتند. بر این اساس، این گروه به جمع قبولیها پیوسته‌اند و ادامه تحصیل داده و در واقع از آسیبهای احتمالی گروه مردودها دور شده‌اند. نکته دیگر اینکه افزایش معدل در گروه مردودها در سال تکرار پایه چهارم ابتدایی (۱۵/۶۱) ماندگار نبوده و سیر نزولی شدیدتری را نسبت به دو گروه دیگر داشته است اما به هر حال در پایه سوم راهنمایی به سطح سالی که مردود شده‌اند (۱۰/۰۹)، نمی‌رسد. این موضوع نشان می‌دهد که تکرار پایه در این سال برای همان پایه ۲۵٪ که به پایه سوم راهنمایی رسیده‌اند، مفید بوده است و بقیه یعنی ۷۵٪ به احتمال بهره‌ای (بهبود پیشرفت تحصیلی) نبرده‌اند. روند پیشرفت تحصیلی دو گروه تک ماده‌ایها و مردودها تقریباً مشابه است. این نکته نشان می‌دهد که مداخله تکرار پایه با توجه به هزینه سنگین آن (تکرار یک سال تحصیلی) در مقایسه با تک ماده کردن آنچنان سودمندی ندارد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه نخست: تفاضل نمرات درس ریاضی، علوم، انشا و املاء (پایه چهارم ابتدایی ۷۹/۸۰ - پایه سوم راهنمایی ۸۳/۸۴) میان دانش‌آموزانی که در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ مردود شده‌اند و نمره ریاضی، علوم، انشاء و املاء آنها هم کمتر از بیست (حد نصاب قبولی با ضریب ۲) بوده است و دانش‌آموزان استفاده کننده از تک ماده دروس مذکور در پایه سوم راهنمایی در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ تفاوتی معنا دار دارند.

در این فرضیه عملکرد درسی دو گروه مردودها و تک ماده‌ایها مقایسه می‌شود. در اینجا این شرط وجود دارد که دو گروه تک ماده‌ایها و مردودها در نمرات درسهای مورد نظر هنگام تکرار پایه و تک ماده کردن نمره کمتر از حد نصاب قبولی داشته باشند؛ یعنی در این درس ضعیف بوده‌اند. بنابراین سؤال این است که با این وضعیت مشابه اما متفاوت در نحوه ارتقای

تحصیلی چه روندی را در ۵ سال بعد طی کرده‌اند. شرط مهم دیگر در این آزمون فرض اینکه در آزمونهای مربوطه کسانی از جامعه نمونه قرار دارند که تعداد سالهای اطلاعات آنها در پایگاه اطلاعات دانش‌آموزی ۶ سال باشد تا اشکالی در آزمون پیش نیاید.

جدول شماره ۳. نتایج آزمون T به منظور مقایسه دانش‌آموزان مردود و استفاده‌کنندگان از تک ماده در چهار درس

سطح معناداری P	درجه آزادی	T محاسبه شده	انحراف استاندارد	میانگین تفاضل نمرات	تعداد	
۰/۰۰۰	۳۴۵/۰۷	-۹/۳۵۵	۴/۷۱۸	-۴/۹۶	۳۴۶۴	تفاضل نمره ریاضی چهارم ابتدایی از سوم راهنمایی
			۴/۹۴۸	-۲/۱۷۶	۲۹۸	گروه تک ماده‌ایها
۰/۰۰۰	۳۳۶/۱	-۸/۸۹۳	۳/۶۳۰	-۲/۵۷۶	۳۴۶۸	تفاضل نمره علوم چهارم ابتدایی از سوم راهنمایی
			۴/۲۰۷	-۰/۳۴۱	۲۹۸	گروه تک ماده‌ایها
۰/۰۰۰	۳۳۹/۴۳	-۱۶/۴۴۲	۳/۱۶۶	-۱/۸۱۸	۲۳۸۵	تفاضل نمره املا چهارم ابتدایی از سوم راهنمایی
			۳/۸۹۴	۰/۰۳۱	۱۷۹۵	گروه تک ماده‌ایها
۰/۰۰۰	۶۶۱/۷	-۸/۵۳۹	۳/۱۴۶	۰/۵۳۷	۱۷۸۹	تفاضل نمره انشاء چهارم ابتدایی از سوم راهنمایی
			۳/۴۵۷	۱/۵۸۳	۴۵۷	گروه تک ماده‌ایها

جدول شماره ۳ عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان گروه تک ماده‌ایها و مردودیها را در طول ۵ سال مقایسه کرده است. عملکرد تحصیلی این دو گروه با تغییری به نام "تفاضل" بیان شده است. طبق تعریف تفاضل حاصل تفریق نمره درس در پایه چهارم ابتدایی از نمره همان درس در پایه سوم راهنمایی است. در واقع نماد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در این ۵ سال است. از آنجا که در کل، نمره دانش‌آموزان در پایه چهارم ابتدایی بیشتر از نمره درس در پایه سوم راهنمایی است، حاصل (متغیر تفاضل) عمدتاً منفی است. این منفی بودن نشان از روند کاهشی پیشرفت تحصیلی است.^۱ بر این اساس بزرگتر بودن عدد این تفاضل (به لحاظ قدر مطلق یعنی صرف نظر از علامت منفی آن) نشان از روند کاهشی شدیدتر دارد و در صورتی که این تفاضل مثبت باشد نشان از بهبود پیشرفت تحصیلی دارد.

جدول شماره ۳ نتایج آزمون آماری مقایسه میانگین تفاضل در دو گروه مردودیها و تک ماده‌ایها را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های این جدول گروه مردودیها در سه درس ریاضی و علوم و املا نمراتشان روند کاهشی داشته است (به دلیل منفی بودن متغیر تفاضل). وضعیت گروه تک ماده‌ایها در درس ریاضی و علوم منفی است، اما چون میزان تفاضل به لحاظ قدر مطلق کوچکتر است روند کاهشی گروه تک ماده‌ایها کمتر بوده است. میزان متغیر تفاضل در

۱. البته، این روند کاهشی تابعی از پیچیده شدن محتوای برنامه درسی نیز می‌باشد.

درسهای املا و انشا در گروه تک ماده‌ایها مثبت است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که در مجموع وضعیت پیشرفت تحصیلی گروه تک ماده‌ایها بهتر از گروه مردودیها است. آزمون t تفاوت روند عملکرد تحصیلی این دو گروه را بر اساس میانگین تفاضل در هر چهار درس معنادار نشان می‌دهد. با توجه به بزرگتر بودن نمرات تفاضل گروه تک ماده‌ایها در هر چهار درس می‌توان این نتیجه را به دست آورد که در مجموع تک ماده‌ایها حتی در درسهای که در آن از تک ماده استفاده کرده‌اند (احتمالاً ضعیف بوده‌اند) پیشرفت تحصیلی بهتری نسبت به گروه مردودیها دارند. به خلاف تصور رایج و نتیجه پژوهش جواهری (۱۳۷۱) تک ماده کردن سبب افت تحصیلی دانش‌آموزان نمی‌شود. حتی در برخی دروس عملکرد گروه تک ماده‌ایها بهبود نسبی داشته است.^۱

فرضیه دوم: تفاضل نمرات درس ریاضی، علوم، املا و انشا (پایه چهارم ۷۹/۸۰- پایه سوم راهنمایی ۸۳/۸۴) میان دانش‌آموزانی که در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ مردود شده‌اند و نمره پایه چهارم آنها در سال تحصیلی ۷۸/۷۹ بیشتر از بیست (قبول با مقیاس ۴۰) بوده است تفاضل نمرات با گروه تک ماده‌ایها که در سال ۷۸/۷۹ از هر یک از دروس موردنظر تک ماده نکرده‌اند، تفاوت معنادار دارد.

جدول شماره ۴. جدول آزمون T به منظور مقایسه دانش‌آموزان مردودی و استفاده‌کنندگان از تک ماده در چهار درس

سطح معناداری P	درجه آزادی	T محاسبه شده	انحراف استاندارد	میانگین تفاضل نمرات	تعداد		
۰/۰۰۰	۳۱۶۱/۷۱	-۱۳/۱۷۶	۴/۷۰۶	-۵/۳۴	۱۴۳۷	گروه مردودیها	تفاضل نمره ریاضی چهارم ابتدایی از سوم راهنمایی
			۴/۹۷۴	-۳/۲۲	۲۳۵۴	گروه تک ماده‌ایها	
۰/۰۰۰	۳۴۱۷/۵۴	-۱۸/۳۸۶	۳/۲۶۴	-۳/۲۶	۱۴۳۷	گروه مردودیها	تفاضل نمره علوم چهارم ابتدایی از سوم راهنمایی
			۱/۰۵۹	-۱/۰۶	۲۳۵۵	گروه تک ماده‌ایها	
۰/۰۰۰	۳۳۹۱/۴	-۱۶/۴۲۲	۳/۱۶۶	-۱/۸۲	۲۳۸۵	گروه مردودیها	تفاضل نمره املا چهارم ابتدایی از سوم راهنمایی
			۳/۸۹۴	-۰/۰۳	۱۷۹۵	گروه تک ماده‌ایها	
۰/۰۰۰	۴۹۳۹/۵۴	-۱۶/۵۸۰	۲/۸۶۰	-۰/۵۳	۳۷۳۳	گروه مردودیها	تفاضل نمره انشاء چهارم ابتدایی از سوم راهنمایی
			۳/۱۶۶	۰/۷۷	۲۴۸۳	گروه تک ماده‌ایها	

در این آزمون وضعیت روند عملکرد درسی دو گروه به شکل دیگری مقایسه شده است؛ افراد هر دو گروه در درس مورد نظر نمره قبولی داشته‌اند، یعنی در گروه تک ماده‌ایها علی‌رغم

۱. البته باید درس ریاضی را از دروس دیگر جدا کرد. در این درس در گروه قبولیها هم افت محسوس دیده می‌شود و اگر افت قبولیها در این درس به میزان ۳/۶۹- نمره (در مقیاس ۴۰) طبیعی دیده شود و در مقایسه با گروه مردودیها و قبولیها افت نمره گروه تک ماده‌ایها از درسی که ضعف عملکرد داشته‌اند، وضعیت مناسبی دارند.

استفاده از تک ماده در درس مورد نظر، نمره ده و بالاتر داشته‌اند و در گروه مردودیها وضعیت به همین صورت است. بر اساس داده‌های جدول شماره ۴ هر دو گروه در سالهای بعد در درس ریاضی دچار افت می‌شوند و نمرات آنها سیر نزولی می‌پیماید (به دلیل منفی بودن میانگین تفاضل نمرات) با این حال در روند کاهش میان دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد (آزمون t معنادار است)؛ یعنی گروه تک ماده‌ایها افت نمره کمتری داشته‌اند. در درس علوم علی‌رغم روند مشابه در کاهش عملکرد هر دو گروه (منفی بودن میانگین تفاضل)، در میزان این کاهش تفاوت معنادار دیده می‌شود. گروه مردودیها در درس املا و انشا روند کاهش در نمرات خود نشان داده‌اند، اما در گروه تک ماده‌ایها بهبود نسبی دیده می‌شود (میانگین تفاضل مثبت)؛ یعنی تفاضل نمرات در گروه مردودیها منفی و در گروه تک ماده‌ایها مثبت و تفاوت آنها (با فرض نابرابری واریانسها) معنادار است ($P=0/000$). در مقام مقایسه، گروه تک ماده‌ایها تقریباً همان روند کاهشی را داشته اما از نظر میزان کاهش تفاوت معنادار با گروه مردودیها داشته‌اند. حتی در برخی از دروس عملکردشان بهتر هم شده است. بنابراین آزمون دو گروه در دروسی هم که در سال چهارم ابتدایی نمرات بالاتر از ده (یادگیری مطلوب داشته‌اند) داشته‌اند پیشرفت دانش‌آموزان تک ماده‌ای بهتر از گروه مردودیها بوده است.

بر این اساس می‌توان گفت نظریه رایج که ادعا می‌کند تک ماده کردن موجب افت می‌شود، نظریه آنچنان دقیقی نیست؛ زیرا روند کاهشی در نمرات دروس (منفی بودن تفاضل) در هر دو گروه دیده می‌شود. با در نظر گرفتن این نکته که روند کاهشی در نمرات حتی در گروه قبولیها نیز وجود دارد (جدول و نمودار شماره ۲) روش مداخله‌ای تک ماده، در مقایسه با روش مداخله‌ای تکرار پایه که کم اثر، پر خطر و پر هزینه است، مداخله‌ای بی‌ضرر و در بسیاری از موارد مفید و کم هزینه است.

فرضیه سوم: تفاضل معدل کل (پایه چهارم $79/80$ - پایه سوم راهنمایی $83/84$) میان دانش‌آموزانی که در سال تحصیلی $78/79$ در پایه چهارم مردود شده‌اند و دانش‌آموزان استفاده کننده از تک ماده در پایه سوم ابتدایی سال تحصیلی $78/79$ تفاوت معنادار دارد.

در گروه مردودیها (با 5390 نفر) معدل سال $79/80$ از عدد $(15/62)$ به $(13/12)$ در سال $83/84$ کاهش می‌یابد، اما در مقایسه با سال قبل یعنی سالی که مردود شده‌اند ($78/79$) افزایش سه نمره‌ای دارند. معدل گروه تک‌ماده‌ایها (با 2684 نفر) در سال $83/84$ $(13/48)$ در مقایسه با

سال ۷۹/۸۰ (۱۴/۲۱) و سال ۷۸/۷۹ (۱۴/۵۰) هر دو کاهش نشان می‌دهد، اما در پایان معدل آنها (در سال ۸۳/۸۴) در مقایسه با گروه مردودیها به اندازه ۰/۳ تفاوت دارد، یعنی بیشتر است. در این فرضیه به خلاف فرضیه‌های قبل که میانگین تفاضل هر درس (روند عملکرد تحصیلی) جداگانه مورد آزمون قرار می‌گرفت، تفاضل میانگین معدل (روند عملکرد تحصیلی کلی) دو گروه فوق مورد آزمون قرار می‌گیرد.

آزمون t در سطح نابرابری واریانسها تفاضل را به نفع تک ماده‌ایها معنادار می‌یابد ($T=28/183$ محاسبه شده و $4920/54$ = درجه آزادی و $0/000$ سطح معناداری P). اما در اینجا نکته‌ای قابل توضیح است که برای همتاگردن این دو گروه در گروه مردودیها و تک ماده‌ایها تنها افرادی انتخاب شده که ۶ سال را کاملاً طی کرده‌اند؛ یعنی گروه مردودیها تنها همان سال تکرار پایه داشته‌اند و بقیه سالها با تک ماده جلو رفته‌اند. این گروه از مردودیها تنها نزدیک به ۵۳۹۰ نفر از جمعیت ۲۱ هزارنفری، یعنی در حدود ۲۵ درصد از کل جامعه هستند. این گروه به روشنی وضع نسبی بهتری در تحصیل دارند، زیرا میانگین معدل کل آنها در پایه چهارم سال تحصیلی ۷۸/۷۹ از ۱۰ (حد نصاب قبولی) کمی بیشتر است. می‌توان چنین برداشت کرد که اینها گروهی از دانش‌آموزان مردود شده هستند که در نظام آموزشی مانده‌اند؛ یعنی به احتمال بهره‌ای از تکرار پایه برده‌اند اما از بقیه خبری نیست و به احتمال زیاد ریزش (ترک تحصیل، تکرار پایه مجدد، مهاجرت و مانند اینها) داشته‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد تکرار پایه ساده برای دانش‌آموزان ضعیف آنچنان نتیجه‌بخش نبوده و روشی مناسب برای تداوم روند حضور آنان در نظام آموزشی نیست. نکته مهم و اساسی همین‌جاست که باید روند تصمیم‌گیری به سمت و سویی باشد که تکرار پایه برای کسانی تجویز شود که از آن بهره‌مند شوند. البته این امکان هم وجود دارد که اگر به همین عده باقیمانده (۲۵٪) تخفیفی داده می‌شد که تکرار پایه نمی‌کردند، به احتمال زیاد ضرری عاید آنان نمی‌شد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مؤلفه‌های عملکرد تحصیلی که بر اساس آن اطلاعات گردآوری و تحلیل شد، از نظر درصد قبولی، ماندگاری در نظام آموزشی، ریزش و شانس رسیدن به پایه سوم راهنمایی، وضعیت دانش‌آموزانی که تک ماده کرده‌اند - در مقایسه با گروه مردودیها در حد مطلوبی است

و شاخصهای آنها به شرایط و وضعیت دانش‌آموزان قبولی بسیار نزدیکتر است. بی‌گمان اگر این گروه از این لطف نظام آموزشی بی‌بهره می‌شدند سرنوشتی مانند گروه مردودیها در انتظارشان بود. نتیجه این پژوهش با نتایجی که از پژوهش‌های دیگر به دست آمده تطابق دارد. ثوران‌دیک در سالهای آغازین قرن بیستم، طی پژوهشهای خود میان ترک تحصیل و تکرار پایه رابطه‌ای یافته که بعدها هم این رابطه تأیید شده است (اوینگز و کاپلان، ۲۰۰۱). جیمرسون (۱۹۹۹) بیان می‌کند که دانش‌آموزانی که تکرار پایه دارند، احتمال ترک تحصیلشان بیشتر است. شپارد و اسمیت (۱۹۹۸) اعلام کرده‌اند که تکرار پایه تا پنج بار احتمال ترک تحصیل را در دبیرستان بالا می‌برد. همچنین گفته شده است که اگر تکرار پایه به دو بار برسد، احتمال ترک تحصیل به ۹۰ درصد می‌رسد (ایزمن، ترجمه حمیدی، ۱۳۷۸) (اوینگز و مگلیارو، ۱۹۹۸). لذا می‌توان گفت که ریزش دانش‌آموزان مردودی در طول ۵ سال بعد از تکرار پایه موضوعی است طبیعی که از نظر محققان قابل پیش‌بینی است، نظام آموزشی متأسفانه بار سیاستی نامناسب بسیاری از دانش‌آموزانی را که نیاز بیشتری به ماندن در نظام آموزشی دارند از خود دور می‌کند. مادری نامهربان که از خطاهای کودکان خود در نمی‌گذرد و به آنها یاد نمی‌دهد که خطایشان را کمتر کنند. به گفته دیگر، این دارویی که نظام آموزشی برای بهبود عملکرد دانش‌آموزان ضعیف تجویز می‌کند سمی‌تر از آن است که تصور می‌رود و بسیاری با خوردن آن دارو به ویژه به صورت مکرر، مریضتر می‌شوند. مگر اینکه بعد از آن رخدادهای حمایتی بیشتری از آنها به عمل آید.

• در مورد پیشرفت تحصیلی بعد از تک ماده کردن نیز در همه درسها چه آنهایی که تک ماده کرده‌اند و چه درسهایی که تک ماده نکرده‌اند و حتی معدل کل، وضع تک ماده‌ایها بهتر بود، لذا می‌توان در یک ارزیابی اولیه گفت که تک ماده کردن آسیبی به عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان وارد نمی‌سازد و حتی آنها را به ادامه تحصیل امیدوار می‌سازد. این موضوع با نتایجی که معتمدیان (۱۳۷۱) از پژوهش خود گرفته سازگار است. همچنین اگر سیاست کلان نظام آموزشی بر نگهداری و تداوم حضور هرچه بیشتر دانش‌آموزان در نظام آموزشی است، تک ماده کردن به نحوی نسبتاً مطلوب چنین هدفی را دنبال کرده است. اما از آنجا که در طول

1. Owings, W. A. & Kaplan, I. S.

2. Owings, W. A. & Magliaro, S.

پنج سال بعد از تک ماده کردن نزدیک به ۵۰ درصد از این گروه ریزش دارند و احتمالاً از نظام آموزشی حذف شده‌اند. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که این دانش‌آموزان یعنی همان ۵۰ درصد ریزشی به مداخله‌های دیگر در کنار تک ماده کردن نیاز دارند که نظام آموزشی از آنها غفلت کرده است. در صورتی که مداخله‌های تکمیلی به کار گرفته شود، تردیدی نیست که آمار موفقیت گروه تک ماده‌ایها بالاتر خواهد رفت.

• دانش‌آموزان مردودیهای بعد از سال تکرار پایه، پیشرفتی محسوس در نمرات خود داشته‌اند. میانگین معدل آنها افزایشی قابل توجه پیدا می‌کند. اما این افزایش ماندگار نیست و در سالهای بعد رو به کاهش می‌گذارد. گرچه به میزان سال مردود شدن یعنی پایه چهارم سال تحصیلی ۷۹-۷۸ نمی‌رسد، اما این گروه از دانش‌آموزان به شدت ریزش دارند و از گردونه تحصیلات حذف می‌شوند، به گونه‌ای که شانس رسیدن به پایه سوم راهنمایی برای این گروه ۲۵ درصد است. نمرات و معدل این دانش‌آموزان در سال بعد از تکرار پایه روند نزولی دارد و این روند به نسبت دو گروه دیگر بیشتر است. نتیجه این پژوهش با نتایج تحقیقاتی که علیشاهی (۱۳۷۹) و معتمد الشریعتی (۱۳۷۱) و معتمدیان (۱۳۷۱) در داخل کشور انجام داده‌اند، توافق دارد. همچنین مؤید نتایج تحقیقاتی است که در خارج از کشور انجام شده است. آنان نشان داده‌اند که تکرار پایه آثار ماندگار مثبتی بر دانش‌آموزان نمی‌گذارد (جیمرسون، ۲۰۰۱) (والترز و همکاران، ۱۹۹۵) (لناردوزی و مک لولین، ۱۹۹۹) (کارویت^۱، ۱۹۹۹). اسنایدر (۱۹۹۲) نشان داده است که بهبود نمره دانش‌آموزان بعد از تکرار پایه ماندگار نیست و در سالهای بعد روند نزولی خواهد داشت. در این پژوهش هم مشاهده شد که این روند کاهشی نمرات گروه مردودیها در همه مواد درسی شدیدتر از تک ماده‌ایها بوده است. وست بوری (۱۹۹۴) و بالیتویچ (۱۹۹۸) و ستن سیچ (۱۹۹۴) نیز در پژوهشهای خود به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان مردودی در مقایسه با گروههای همتا بهبودی مناسب در عملکرد تحصیلی نداشته‌اند. به گفته هاروی تکرار پایه به اهداف خود نرسیده و بسیار گرانتر از خدمات درمانی و اصلاحی است (هاروی^۲، ۱۹۹۹). دانسون نیز می‌گوید: تکرار پایه سودمندی شفاف و صریحی

1. Karweit, N. L.

2. Harvey, B. H.

برای دانش‌آموزان در زمینه پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی و فردی ندارد (دانسون، ۱۹۸۸). به نظر می‌رسد مداخله تکرار پایه نیازمند ارائه مراقبت‌های آموزشی و تربیتی در سال‌های بعد است. بدون این مراقبت‌ها، تکرار پایه، سودمندی پایداری برای دانش‌آموز دارای ضعف عملکرد نخواهد داشت.

• بهبود نسبی که در عملکرد دانش‌آموزان گروه مردودیها دیده می‌شود، در مقایسه با گروه تک‌ماده‌ایها معنادار نیست، یعنی نسبت به آنها وضعی مطلوب ندارند، اما اگر در نظر بگیریم این گروه از نظر سنی یک سال جلوتر هستند (پایه‌ای را تکرار کرده‌اند) این بهبود نسبی آنچنان برای تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان دندان‌گیر نیست و اگر این واقعیت را در کنار واقعیت دیگر قرار دهیم که در این گروه شانس رسیدن به پایان تحصیلات دوره راهنمایی بسیار کم است. چنانکه هر سال گروه زیادی ناامید می‌شوند و از تحصیل کردن کناره‌گیری می‌کنند، به این نتیجه می‌رسیم که آنچنان که تصور می‌رود این مداخله آموزشی (تکرار پایه) با این وضعیتی که در کشور ما اجرا می‌شود، افزون بر اینکه آثاری ارزشمندی با خود به همراه ندارد؛ آثار تخریبی نیز به جای می‌گذارد. آثاری مانند ریزش و ترک تحصیل که در گروه مردودیها کاملاً مشهود است که بی‌ارتباط با افت انگیزش تحصیلی و کاهش اعتماد به نفس نیست. تحقیقات نشان داده است که شکست تحصیلی مانند مردودی موجب تأثیر منفی در خودپنداره و اعتماد به نفس می‌شود (وایت و همکاران، ۱۹۸۳؛ ستن سیچ، ۱۹۹۴). کاهش اعتماد به نفس، حاصل شکست تحصیلی و بزرگترین عامل تعیین‌کننده آینده به ویژه زندگی تحصیلی دانش‌آموز است. این شکست‌ها، نگرش دانش‌آموزان را نسبت به مدرسه و معلم و دانش منفی می‌گرداند، به طوری که آنان از مدرسه روی گردان می‌شوند تا جایی که به انتهای خط می‌رسند؛ یعنی ترک تحصیل (www.ncrel.org). بنابر گفته بنجامین بلوم، شکست‌های متوالی در انجام دادن خواسته‌های مدرسه، هسته مرکزی بسیاری از مشکلات روانی را تشکیل می‌دهد (خلخالی، ۱۳۸۱) (بلوم، ترجمه سیف، ۱۳۶۳). بر این اساس می‌توان گفت که این طبیعی است که در این گروه نرخ ترک تحصیل بسیار بالا است، زیرا تکرار پایه بیش از آنکه به افزایش و بهبود پیشرفت تحصیلی بینجامد، آسیب روانی به دانش‌آموزان وارد می‌سازد.

• گروه تک ماده‌ایها در همهٔ درسها و حتی در معدل بهبود از خود نشان داده‌اند، تنها در درس ریاضی در هر دو حالت یعنی (تک‌ماده‌ای ریاضی، بدون تک ماده از درس ریاضی درسال ۷۸/۷۹) نمرهٔ سال سوم راهنمایی زیر حد نصاب قبولی می‌رسد. ظاهراً درس ریاضی در نظام آموزشی ما وضعیتی ویژه دارد. به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی درسی در این درس باید کاملاً مورد بازبینی عالمانه قرار گیرد و آموزش آن دگرگون شود. درس ریاضی درسی است که بیشتر دانش‌آموزان در آن از تک ماده استفاده می‌کنند و در گروه مردودین هم عدهٔ بسیاری از آنها از درس نمره نیاورده‌اند.

• تک ماده کردن به صورت نسبی و در مقایسه با تکرار پایه مداخله‌ای مفید و مرحمی است بر دردهایی که مداخله بی‌حساب و کتاب تکرار پایه بر نظام آموزشی وارد می‌سازد. باید در درستی این مداخله تردید کرد، زیرا شکست تحصیلی آثاری مخرب بر دانش‌آموزان می‌گذارد که اجازه نمی‌دهد تکرار پایه به صورتی سودمند ظاهر شود. مگر اینکه بعد از تکرار پایه تمهیداتی برای دانش‌آموزان اندیشیده شود و از آنها مراقبت بیشتری به عمل آید. بر این اساس تأثیر تک ماده بیشتر روانی است تا آموزشی به سخن دیگر دانش‌آموزان در مرز قبولی و مردودی از این تخفیف، اعتماد به نفس پیدا می‌کنند و استواری بیشتر در مسیر تحصیلات حرکت می‌کنند. این موضوع با سخن بلوم (خلخالی، ۱۳۸۱) نیز هماهنگی دارد.

• عوامل شناخته شده و ناشناخته بسیار در وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان دخالت دارد. تحقیقات بی‌شمار در زمینه بررسی علل و عوامل افت تحصیلی انجام گرفته است که نشان می‌دهد طیفی وسیع از عوامل در شکل‌گیری این پدیده دخالت دارد (دلاکه، ۱۳۸۰ و مجیدی، ۱۳۷۶ و قاسمی‌نژاد، ۱۳۷۹ و بازرگان، ۱۳۷۸ و آزادواری، ۱۳۷۵ به نقل از آهنچیان ۱۳۸۵)، (سالاری، ۱۳۷۶)، (گلنار، ۱۳۷۵)، (خیر، ۱۳۶۷ و ۱۳۶۲). عواملی مانند: خانوادگی، آموزشی، فردی، اقتصادی و اجتماعی، در این پژوهشها مورد توجه قرار گرفته است. ماتیو و هولمز^۱ (کیامنش، ۱۳۸۲) اظهار کرده‌اند که دانش‌آموزان این گروه به لحاظ عاطفی و اجتماعی دارای مشکلاتی هستند و وضعیتی مناسب ندارند، جیمرسون و کافمن (۲۰۰۳) از وجود مشکلات این چنین در گروه مردودین نام برده است. اینها در عین حال که می‌تواند حاصل شکست تحصیلی

باشد، خود می‌تواند عامل شکستهای بعدی باشد. با توجه به عوامل متنوع و متعامل بسیار در این پدیده تکرار پایه یا صرفاً تک ماده کردن نمی‌تواند موانع رفع کند یا آثار آنها را بر روند پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از بین ببرد. ریزش ۷۵٪ گروه مردودها و ۵۵٪ تک ماده‌ایها نشان می‌دهد که تکرار پایه و تک ماده کردن برای گروهی خاص مؤثر است و احتمالاً برای کسانی که مشکل و عوامل مؤثر در افت آنان مرتفع نشده این دو مداخله اثربخش نبوده است. لذا بهتر است هنگام تصمیم‌گیری درباره تکرار پایه به این عوامل کم و بیش هم توجه شود (البته با عنایت به توان نیروهای کارشناسی و کارگزاران آموزشی مدارس کشور) زیرا نادیده گرفتن این عوامل در تصمیم‌گیری‌ها و اتکاء صرف تصمیمات آموزشی بر نمرات، سبب می‌شود که مداخله‌های آموزشی تکرار پایه و تک ماده کردن را از فوایدی که ممکن است داشته باشند، جدا نماید. اولسون^۱ (۱۹۹۹) نیز پیشنهاد می‌کند که هنگام تصمیم‌گیری برای تکرار پایه لازم است به عواملی دیگر بجز نمره درسها نیز توجه کرد. دانسون (۱۹۸۸) همچنین اعتقاد دارد به سبب فقدان شواهد متقاعد کننده برای به کارگیری تکرار پایه در تشخیص اینکه تکرار پایه برای چگونه دانش‌آموزی مناسب است، دچار مشکل هستیم. به هر حال تکرار پایه و تک ماده کردن مؤثر، مستلزم دخالت دادن برخی عوامل دیگر، بجز نمره درسها، هنگام تصمیم‌گیری است.

سخن پایانی این است که هیچ یک از دو مداخله (تکرار پایه و تک ماده) مطلقاً مطلوب یا نامطلوب نیست، بلکه مطلوب بودن این سیاست، به تناسب آن با وضعیت فرد ارتباط دارد. برای دانش‌آموزی در شرایطی ویژه، علی‌رغم نمرات نامناسب، تکرار پایه نامطلوب است. بنابراین در تصمیم‌گیری درباره تکرار پایه یا تک ماده کردن دانش‌آموز لازم است به عوامل و شرایط دیگر او دقت شود. آن عوامل و شرایط اگر مورد توجه قرار بگیرند، ممکن است مداخله مردودی و تک ماده کردن مفید و مناسب باشد. با توجه به این‌که برای مفید بودن تکرار پایه شرایطی لازم است که در عمل به آن توجهی نمی‌شود، عملاً بسیاری از کسانی که در تور تکرار پایه اسیر می‌شوند، نه تنها سودی از آن عایدشان نمی‌شود، بلکه متضرر هم می‌شوند. پس آنها به مداخله‌های مفیدتر و متناسب‌تر با شرایطشان نیاز دارند. چیزی که نظام آموزشی به اندازه

کافی به آن نیندیشیده است. آنچه مداخله تکرار پایه و تک ماده را از سودمندی دور می‌سازد، عدم پشتیبانی آموزشی بعد از تکرار پایه و تک ماده کردن است. زیرا دانش‌آموزان بعد از این رخدادهای نیاز به حمایت و پشتیبانی آموزشی بیشتری دارند (بوسینگ و برین، ۱۹۹۸). نباید تصور کرد که صرف تکرار پایه یا تک ماده برای دانش‌آموزان کفایت می‌کند، بلکه ضرورت دارد حمایت‌های آموزشی تکمیلی در کنار آن برای دانش‌آموزان ارائه شود. همانگونه که مشایخ (۱۳۸۱) می‌گوید: وقت آن رسیده است که نگاهی دیگر به تکرار پایه داشته باشیم. نظام آموزشی ما باید با پدیده شکست تحصیلی واقع‌بینانه برخورد نماید و آن را نه به صورت ساده، بلکه به عنوان پدیده‌ای پیچیده بنگرد که با عوامل بسیاری در تعامل است (جیمرسون، ۲۰۰۱) و برای آن ساز و کارهای مناسب از جنبه‌های آموزشی، اجتماعی و روانی جستجو نماید.

پیشنهادها

۱. استفاده از مداخله‌های تکمیلی متنوع دیگر برای بهبود عملکرد دانش‌آموزان تک ماده‌ای برای این کار می‌توان شرایط استفاده از تک ماده را سهل‌تر نمود، اما به دانش‌آموز فرصت داد که در شهریور ماه یا در مهرماه ضعف عملکرد درسی خود را با کمک مدرسه بهبود بخشد.
۲. ارائه حمایت‌های آموزشی بعد از رخداد تکرار پایه و تک ماده برای دانش‌آموزان، زیرا بدون این حمایت‌ها مداخله‌های مذکور کم‌تأثیر خواهند بود. شاید یکی از دلایل ریزش شدید گروه مردودیها عدم وجود همین حمایت‌ها بعد از رخداد تکرار پایه است.
۳. تلاش و برنامه‌ریزی برای تغییر نگرش کارگزاران آموزشی دوره عمومی به ویژه دوره ابتدایی درباره تکرار پایه و تک ماده و تأثیر آن در بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان.
۴. تعریف و روشمند کردن مداخله‌های متنوع برای کاهش ضعف عملکرد درسی دانش‌آموزان در دروس پایه و اساسی در طول سال یا در آغاز سال تحصیلی.
۵. مهمترین و اساسی‌ترین موردی که در این پژوهش می‌توان پیشنهاد کرد و باید در اولویت قرار گیرد، تلاش برای تغییر دادن الگوی تصمیم‌گیری درباره تکرار پایه است. با توجه به گرایش به تغییر دادن نظام ارزشیابی دوره ابتدایی از کمی به کیفی و تغییر دادن گرایش برنامه‌های درسی در روشها و راهبردهای یاددهی-یادگیری و عنایت به راهبرد عدالت آموزشی، ضرورت دارد در الگوی تکرار پایه موجود، بازنگری و بازاندیشی انجام گیرد تا تصمیمات آموزشی با نیازهای آموزشی دانش‌آموزان متناسب شود.

منابع

- آهنچیان، محمدرضا (۱۳۸۵) افت تحصیلی و رابطه آن با بنیادهای فلسفی آموزش و پرورش مدرن، مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره جدید، سال سی و ششم، شماره ۳ و ۴ صص ۱۰۳-۸۳.
- امین فر، مرتضی. (۱۳۶۷) علل و عوامل افت تحصیلی و چگونگی کاهش آن، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره‌های ۱۳ و ۱۴.
- امین فر، مرتضی. (۱۳۶۵) افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش و پرورش، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره‌های ۷ و ۸. ایزمن، ت. ا. (۱۳۷۸) راهبردهایی برای کاهش تکرار پایه، ترجمه دکتر منصور علی حمیدی تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- بلوم، بنجامین (۱۳۶۳) ویژگیهای آدمی و یادگیری آموزشی، ترجمه دکتر علی اکبر سیف، تهران: مرکز نشر دانشگاهی تهران
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۰) روشهای پیشگیری از افت تحصیلی، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- جوهری، ابوالفضل (۱۳۷۱) بررسی تأثیر مواد مربوط به تک ماده آیین‌نامه امتحانات بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی.
- خلخال، مرتضی (۱۳۸۱) آسیب‌شناسی نظام برنامه‌ریزی درسی ایران، تهران: سوگند.
- خیر، محمد (۱۳۶۷) مقایسه علل شکست تحصیلی از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان، نشریه علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره‌های ۱ و ۲.
- خیر، محمد (۱۳۶۷) شکست تحصیلی و رابطه آن با زمینه خانوادگی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی مدارس شیراز، دانشگاه شیراز.
- حسینی، محمد (۱۳۸۳) نقد و بررسی الگوهای ارتقا تحصیلی، تهران: انتشارات تزکیه.
- دفتر پژوهش نظامهای آموزش جهانی (۱۳۶۵) ضایعات تحصیلی در دوره ابتدایی در کشورهای جهان بین سالهای ۱۹۷۰-۱۹۸۰، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره‌های ۷ و ۸.
- سالاری، محمد (۱۳۷۶) بررسی ویژگی‌های زیستی، شناختی و خانوادگی دانش‌آموزان دبستانی با سابقه مردودی و دانش‌آموزان برجسته شهر قوچان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- علیشاهی، مجید. (۱۳۷۹) بررسی تأثیر تکرار پایه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در روند آتسی تحصیلی آنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی.
- کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۲) تکرار پایه و ارتقای خود به خودی و برابری فرصتهای آموزشی در دوره ابتدایی، در همایش ارزشیابی تحصیلی، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- گلنار، مهناز، (۱۳۷۵) بررسی علل ترک تحصیل دختران در مقطع آموزش ابتدایی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴۶.
- ماخ، میروسلاو، (۱۳۶۸). پیشگیری از مردودی در مدارس ابتدایی چکسلواکی (سابق)، ترجمه مرتضی امین فر (۱۳۶۸) فصلنامه تعلیم و تربیت، تابستان ۶۸، شماره ۲

- محسن پور، بهرام. (۱۳۶۴) پیشنهادهایی برای کاهش ضایعات امتحانی، رشد معلم، سال چهارم، شماره مسلسل ۲۷ صص ۳۲ تا ۳۳، ۵۴، ۵۷.
- معتمد الشریعی، سیدجواد (۱۳۷۲) بررسی تأثیر مردودی بر بهبود دروس دانش‌آموزان در سالهای بعد در دوره ابتدایی، شواری تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان.
- معتمدیان، جمشید (۱۳۷۱) تحقیق درباره آیین‌نامه جدید امتحانات دوره راهنمایی تحصیلی و بررسی وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان که از تک ماده استفاده کرده‌اند و تعیین میزان مردودی دانش‌آموزان در هر یک از مواد درسی دوره راهنمایی، وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزشی.
- نفیسی، عبدالحسین (۱۳۷۱) خسارتهای ناشی از شکست تحصیلی، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هشتم، شماره ۳.
- Balitewicz, T. F. (1998) *The Long Term Effect of Grade Retention*, Eric: 424616
- Bossing, L., Brien, P. (1980), *A Review of the Elementary School Promotion/Retention Dilemma*, Eric: ED 212362.
- Danson, M. (1988) *Supporting Paper on Retention Position Statement for National Association of School Psychologist*, Eric: ED 316923.
- Harvey, B. H. (1994) To Retention or Not? There is no Question, in *Annual meeting of the American association of school administrators*, San Francisco, ED 369177.
- Jenkins. M. et al(1999) *Reflection on Retention and social promotion* Eric: E J 591079.
- Jimerson, S. R. (1999) On the failure of the failure, *journal of school psychology*, Vol 37. No 3.
- Jimerson, S. R. (2001) Meta- analysis of grade retention research implication for practice in the 21 th century, *school psychology review*, Vol 30, Issue 3.
- Karweit, N. L. (1999) *Grade retention: Prevalence, Timing and Effects*, center for research on the education of students placed at risk Baltimore, Johns Hopkins University and Harvard University. in Eric: ED 430056
- Lenarduzzi, G. P; McLaughlin, T. F. (1990) *The effect of non promotion in junior high school on academic achievement and scholastic effort*, Eric: E J 417980.
- N, Echougam, sonou, C. H. (2001) Automatic promotion or large scale Retention. *International Journal of Educational Development* vol. 21.
- Olson, C. O. (1999) *Is a ban on social promotion necessary?* School Administrator, Vo. 56.
- Owings, W. A, & Magliaro, S. (1998) Grade retention, a history of failure, *Educational Leadership*, Sept
- Owings, W. A. & Kaplan, I. S. (2001) *standard, Retention and social promotion*, National Association of secondary school principals.
- Pouliot, T. (1999) *A double method approach for a double need: to describe teacher beliefs about grade retention*, Eric: Ed 429946.
- Setencich, J. (1994), *The impact of early grade retention on the academic achievement and self-esteem of seventh and eight students*, Eric: ED393026.
- Shepard, L.A. & Smith. M (1989) *Explaining policies of Retention in Early Grades*, Eric: Ej 359345.
- Snyder, J. H. (1992), *The Effects of Retention in Elementary School on Subsequent Academic Performance*, Eric: ED 3560459.
- Westbury, M. (1994), *The effect of elementary grade retention on subsequent school achievement and ability*, Eric: ED 369177.
- White et al (1973); *Failure to be promoted and self-concept Among Elementary school children*, Eric: Ej 075519.
- Walters, D.M. et al (1995) *Students Retention: Is It Effective?* Eric: EJ 50088.